

نگارخانه

ژازه تباتبایی

دمیدن روح به آهن پاره های بی مصرف

ژازه تباتبایی هنرمندی که به اشیا نگاه عادی نداشت؛ او در دلِ دورریزها و ضایعات صنعتی، شکل و فرم می دید و به آنها جان میداد. پیچ ها، فنرها و آهن های فراموش شده در دست او تبدیل به موجوداتی شدند که هم اسطوره اند، هم کابوس، هم شوخی تلخ با جهان مدرن هستند. مجسمه هایش نه قهرمان اند و نه بی گناه؛ زخمی اند، تکه تکه اند و درست به همین دلیل گاهی روح خراشی می کنند.

جهان ژازه ترکیبی است از انسان، حیوان و ماشین؛ جایی که سنت با صنعت تصادف می کند و نتیجه اش موجودی ناآرام، عجیب الخلقه است که بیننده را به فکر وامی دارد. نقاشی هایش هم همین بی قراری را دارند؛ خط هایی عصبی، چهره هایی شکسته و رنگ هایی که قرار نیست آرامت کنند.

ژازه جزو هنرمندانی است مدرنیته ایرانی صاف و صیقلی نمی دید؛ باورش را که پراز وصله، شکستگی و تناقض است به دید عموم گذاشت. او این واقعیت را پنهان نکرد، بلکه آن را به هنر تبدیل کرد؛ هنری که هنوز نفس می کشد، سؤال می پرسد، در برابر چشمان ما مثل یک گوهر می درخشد.

